

حد و مرز تعامل خانواده با مدرسه...

دکتر حسن مظاهری

مهم‌ترین دلیل تعامل اولیای دانش‌آموزان با معلمان و کارکنان مدرسه، به‌ویژه در دوره ابتدایی، شناساندن فرزند خود به معلم از منظر خلق و خو، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و علاقه‌های فرزند است. طرف دیگر این تعامل، دریافت بازخورد از معلمان نسبت به وضعیت روحی، روانی و جسمی، تحصیلی و تربیتی فرزند خود است. در این رفت‌و برگشت است که هم معلمان از اولیا و هم اولیا از معلمان چیزهایی یاد می‌گیرند و در نتیجه، اولیا در خانه و جامعه و معلم در کلاس درس از آن‌ها استفاده خواهند کرد.

نیم‌سال آخر تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان بود. یکی از دانشجویان که تجربه کارورزی در مدرسه‌ها به‌عنوان معلم را داشت، به من گفت: «استاد، ما درباره نحوه تعامل با والدین دانش‌آموزان خود هیچ آموزشی ندیده‌ایم و تجربه‌ای نداریم. امکان دارد در این زمینه تجربه‌های خود را بگویید یا مشخصاً بگویید که ما به پیشنهادها، نظرها و گاهی دخالت اولیای دانش‌آموزان در کار مدرسه تا چه اندازه باید توجه کنیم؟» سپس گفت: «من در مدرسه‌ای که امسال کار می‌کنم با پدر و مادرهایی مواجه هستم که بعضی از آن‌ها بیش از اندازه در کار من و حتی نحوه تدریس من دخالت می‌کنند. به نظر شما من با آن‌ها چگونه باید برخورد کنم؟ از همه مهم‌تر اینکه تا چه اندازه باید به والدین دانش‌آموزان اجازه داد در کلاس‌داری ما، در میزان تکلیف دادن و مسائلی از این قبیل دخالت کنند؟» تأملی کردم و گفتم عجب سؤال و طرح مسئله جالبی! واقعاً در این خصوص چقدر معلمان و مدیران مدرسه‌های ما آموزش دیده‌اند و بر مدیریت این نوع تعامل تسلط دارند؟ آیا باید معلمان خودشان به این سؤال پاسخ دهند؟ آیا معلمان نیاز به دیدن آموزش‌های پایه در این خصوص ندارند تا مبتنی بر آن و متناسب با ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های والدین، در این زمینه برنامه‌ریزی کنند و بر اساس آن تعامل لازم را انجام دهند؟ پاسخ این قسمت از سؤال را بایستی آموزش و پرورش بدهد. اما نیمه دیگر و طرف مقابل این تعامل خانواده‌ها و والدین دانش‌آموزان هستند که بایستی در این مجله راجع به نوع مواجهه با آن‌ها نکته‌هایی را مطرح و توصیه‌ها و پیشنهادهایی با هدف نقش‌آفرینی مؤثرتر برای آن‌ها بیان کرد. لازم است اشاره شود که هرچه خانواده‌ها و والدین توانمندتر و دارای جایگاه اجتماعی بالاتری به مدرسه رفت‌وآمد داشته باشند، رشد و ارتقای فرهنگ و تعالی دانش‌آموزان را در پی خواهد داشت. لذا مشارکت صحیح و سازنده والدین با مدرسه و تعامل آن‌ها با معلم و عوامل مدرسه، دستاوردها و برکت‌های ارزنده‌ای خواهد داشت.



برای اینکه معلمان نگاه خوشبینانه‌ای نسبت به حضور اولیا در مدرسه داشته باشند و تعامل با آن‌ها را مثبت ببینند، مواردی پیشنهاد می‌شود:

۱. داشتن تعامل و ارتباط مداوم: پدر و مادر با هدف تحقق تعاملی که در بالا بیان شد، به صورت مستمر با معلم یا معلمان فرزند خود تعامل، گفت‌وگو و ارتباط صمیمی و ثمربخش داشته باشند.

۲. تقسیم مسئولیت و شناخت نقش‌ها: در جایی که به رسالت و وظیفه‌ی سازمانی معلم مربوط می‌شود (نحوه تدریس، تکلیف‌دهی و...) اولیا یا ورود نکنند یا در حد اظهار نظر پیشنهادی وارد شوند. به عبارت دیگر ضروری است که والدین نقش خود را به عنوان حامی فرایند یادگیری و تربیتی فرزندان درک کنند و بدانند که مدرسه و معلمان، مسئولیت هدایت و اجرای این فرایند را بر عهده دارند. هر نوع دخالت مستقیم در فرایند تدریس و تربیت باید به شکلی باشد که معلم احساس نکند در حیطه کاری او دخالت شده است.

۳. مثبت‌اندیشی نسبت به مدرسه: در محیط خانه و در حضور فرزند خود، پدر و مادر نباید در خصوص مدرسه، به‌ویژه معلم فرزند خود، صحبت منفی داشته باشند و نقطه ضعف او را برجسته کنند.

۴. وقت‌گذاری و حمایت همه‌جانبه از برنامه‌های

مدرسه: اگر معلم کلاس از پدر یا مادر برای فرزندشان

یا برای کلاس درس درخواست

حمایت آموزشی،

تربیتی و پشتیبانی

علمی داشت، با روی

باز استقبال کنند. به بیان دیگر در مواردی که مدرسه برنامه‌های خاصی برای دانش‌آموزان دارد، والدین بکوشند با مشارکت فعال خود از این برنامه‌ها به فرزند خود و معلم کمک کنند تا نتیجه بهتری حاصل شود؛ برنامه‌هایی مانند: کلاس‌های تقویتی، کلاس‌های هنری، برنامه‌های تربیتی. **۵. انتقاد سازنده:** اگر والدین از عملکرد مدرسه یا معلمان انتقاد دارند، لازم است انتقادات خود را به شکل سازنده و با توجه به پیامدهای آن بیان کنند. این نوع گفت‌وگو باید در فضایی محترمانه و با هدف بهبود شرایط انجام شود، نه برای تخریب شخصیت معلم یا نظام آموزشی.

۶. ارتباط مستمر و نه فقط در زمان مشکل: بسیاری از پدر و مادرها تنها زمانی با مدرسه و معلمان ارتباط برقرار می‌کنند که مشکلی در عملکرد تحصیلی یا تربیتی فرزندشان پیش آید؛ در حالی که ارتباط منظم صرف‌نظر از وجود مشکل، می‌تواند به شناخت بهتر معلم از دانش‌آموز و شرایط خانوادگی او منجر شود و از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری کند.

۷. آمادگی والدین برای شنیدن بازخورد: یکی از چالش‌هایی که برخی والدین با آن روبه‌رو هستند، ناتوانی در پذیرش بازخوردهای منفی درباره فرزندشان است، در حالی که باید آماده شنیدن نقاط ضعف فرزندشان و همچنین انتقاداتی که ممکن است به روش‌های تربیتی آنان وارد شود، باشند و این موارد را به عنوان فرصتی برای رشد و بهبود فرزند خود تلقی کنند.

۸. توجه به فعالیت‌های اجتماعی و گروهی مدرسه: مشارکت والدین در برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی مدرسه (مانند: جشن‌ها، نمایشگاه‌ها و جلسه‌های والدین) علاوه بر ایجاد فضای مثبت و همدلی، به تقویت حس تعلق اجتماعی در دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند. این نوع مشارکت نه تنها به بهبود جو مدرسه کمک می‌کند، بلکه والدین را با دیدگاه‌ها و دغدغه‌های دیگران نیز آشنا می‌سازد.

۹. احترام به حریم شخصی معلم: در دنیای امروز و با وجود ابزارهای ارتباطی متعدد، والدین باید دقت داشته باشند که زمان و فضای شخصی معلمان را رعایت کنند. ارسال پیام‌ها یا درخواست ارتباط در ساعات غیرکاری، به خصوص بدون اطلاع قبلی، ممکن است فشار اضافی بر معلمان وارد کند.

در مجموع، تعامل مؤثر والدین و معلمان با یکدیگر نیازمند توجه به یکدیگر و احترام متقابل است. این تعامل نه تنها به موفقیت دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه محیطی پویا، سالم و سازنده برای رشد و توسعه آن‌ها فراهم می‌آورد. مطمئن باشیم که در اکثر موارد، معلمان و مدیران مدرسه‌ها، داشتن اولیای توانمند، کوشا و پای کار را برای خود یک ظرفیت و بازوی کمکی می‌دانند.

باشد که مدرسه را به معنای واقعی دریابیم ان شاءالله...

